

بقلم: فاضل خبیر آقای مخبر همایون

تهیه مقدمات جنگ دوم بین المللی جنگی که دنیا را منقلب کرد

در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۳۹ نقشه جنگ با پولونی تحت مطالعه بود نقشه‌ئی که اتا ماژور تهیه کرده بود برای يك جنگ سرحدی بود هیتلر آنرا تغییر داده نقشه‌ئی تهیه کرد.

با این نظر که تمام قوای پولونی در مدت دو هفته متفرق شوند و پس از سه هفته قوای آلمان ورشورا اشغال کند و در مدت یکماه جنگ خاتمه بیابد زیرا در آن تاریخ باقتضای فصل در تمام لهستان بارندگی منجلا بی تولید می‌کرد و جنگ معوق میماند، پس از تهیه این نقشه دیگر تردیدی باقی نبود که جنگ سر خواهد گرفت حتی مقرر شد برای ۲۵ اوت جنگ اعلان شود.

در همین ایام وزیر خارجه آلمان بسفیر آلمان در مسکو تأکید کرد که پایه روابط دوستانه بین روسیه و آلمان باید مستحکم گردد مولوتف بدو این مذاکره سفیر آلمان را با خوشوقتی تلقی می‌کرد ولی در زمینه مبادلات تجارتي از طرف روسیه تقاضاهای غیر قابل قبول تکرار میشد و چند ماه بود این مذاکرات بجائی منتهی نمیشد.

بالاخره مولوتف بوسیله تلگراف جواب داد: «شرایط ما را برای نشان دادن حسن نیت باید بپذیرید».

آلمان هم حالا حاضر بود این شرایط را بپذیرد برای آنکه مبدا بین روسیه و انگلیس موافقتی دست دهد خصوصاً که نمایندگان متفقین در روسیه برای عقد موافقتی کوشش داشتند.

هیتلر لازم دید قبلاً از نظریهٔ موسولینی هم اطمینان حاصل کند و او دعوت شد برای چهارم اوت به برنو ایتالیا متوجه عجله هیتلر نبود جواب داد ملاقات بماب سپتامبر قرار بگیرد .

از طرف دیگر سفیر ایتالیا در برلن عجلهٔ هیتلر را برم گزارش داد و بالاخره باعزام کنت سیانو داماد موسولینی وزیر خارجه اکتفا شد .

هیتلر هنوز جواب صریحی از مسکو دریافت نکرده بود او هم موافقت کرد که مذاکره با ایتالیا ده روز تأخیر شود .

کنت سیانو در دوازدهم اوت وارد شد پس از شنیدن اظهارات وزیر خارجهٔ آلمان رنگ از رویش پریده با صدای وحشت انگیز فریاد زد «پس بعدها نوبت تکلم با توپ خواهد بود» .

سیانو حامل پیشنهادی بود که هیتلر انتظار آنرا نداشت و آن توصیه بود بمسالمت و تشکیل کنفرانسی از نمایندگان شش دولت برای رفع اختلافات و برقراری صلح دائم .

ساعاتی در روزهای دوازدهم و سیزدهم اوت بین سیانو و هیتلر بمذاکرات گذشت این ساعات نزد آنها تیکه شرکت داشتند فراموش شدنی نخواهند بود و باید تصدیق کرد که مقاومت وزیر امور خارجهٔ ایتالیا در مقابل نظریات هیتلر باعلا درجه حدود امکان رسید .

هیتلر اظهار داشت که تحمل او مقابل دعاوی جنگجویانهٔ لهستان بانتهارسیده سپس تمام قوای سخنرانی خود را مصروف میداشت بر اینکه اثبات نماید که دودولت غربی در جنگ داخل نخواهند شد ، خصوصاً انگلیس . سیانو هم ساعی بود استدلالهای هیتلر را نکته بنکته دیکته نماید .

ضمناً اظهار میکرد که چنانچه جنگ سر بگیرد البته ایتالیا با آلمان خواهد بود اما عقیده داشت که اختلافات مرتفع شود ضمناً ضعف ایتالیا را و مضاریکه از

جنگ ممکن بود تولید شود يك يك توضیح میداد تا آنکه هیتلر باز حمله ور شد و صراحتاً اظهار داشت که حل مسئله لهستان دیگر دقیقه‌ئی تأخیر بردار نیست وقتی مذاکرات باینجا منتهی شد سیانو دو سؤال میکند یعنی آنکه در چه تاریخ باید انتظار حل موضوع را داشت.

هیتلر جواب میدهد:

تا آخر اوت ولی ضمناً اگر از طرف لهستان تجاوزی بشود بفاصله چهار ساعت مورد حمله قرار خواهد گرفت.

سیانو باز از هیتلر سؤال کرد تجاوز از طرف لهستان در چه تاریخ متصور است؟ جواب شنید:

این احتمال را هر آن باید انتظار داشت. در این اثنا گوئی جزو پروگرام بوده است دو تلگراف بدست هیتلر داده شد این تلگرافات از مسکو و ژاپن رسیده بود هیتلر آنها را میدهد بسیانو که بخواند مولوتف اطلاع داده بود که آمدن سفیری را از آلمان انتظار میداشت.

سفارت ایتالیا سخت در تحت نظر واقع بود در آن سفارت سیانو وزیر امور خارجه و سفیر ایتالیا در حمام جلسه تشکیل میدادند که مبادا میکروفن مذاکرات آنها را ضبط کند.

سیانو جرأت تلفن به رم را هم نداشت آنچه میگفت مکشوف میشد روز دیگر هیتلر نظریه خود را تأیید کرد و گفت جنگ با دول غربی در آینده اجتناب ناپذیر است.

از طرف لهستان تجاوزی بعمل نیامد ولی مرام هیتلر این بود که لهستانیها در تاریخ بتجاوز متهم شوند و مسئولیت جنگ شامل حال آنها شود باین نظر لباسهائی مانند ارتش لهستان به اس اس ها پوشانیدند تا نمایشاتی از تجاوزات ساختگی لهستان ترتیب دهند و باسینما این تجاوزات منتشر گردد.

پس برای سیانو دیگر تردیدی باقی نبود که تجاوزی ولو بطور نمایش و تظاهر از طرف پولونی صورت خواهد گرفت و جنگ شروع خواهد شد و اصلح این بود که ایتالیا در این جنگ داخل نباشد.

از مراکزهای مختلف اطلاعاتی به هیتلر میرسید که انگلیس در تهیه وارد شدن در جنگ است شرکت فرانسه راهم صورت پذیر میدانست ولی باین شرکت اهمیتی نمیداد.

در این تاریخ فقط ۶۰ عربۀ جنگی و چهار تحت البحری از کارخانجات آلمان در ماه خارج میشد و آلمان سه دیویزیون زره پوش و کلاً ۶۰۰ عربۀ جنگی بیش نداشت.

قرارداد آلمان با روسیه

در ۱۵ اوت بین شولن برگ سفیر فوق العادۀ آلمان با مولوتف ملاقات دست داد مولوتف مساعد بود تسهیلاتی در شرایط قائل شود.

پس از اطلاع از آنچه در این ملاقات گذشته بود هیتلر و ریبن تروپ با نهایت خوشوقتی شبانه دستور تلگرافی برای سفیر فرستادند مدلول آن این بود که آلمان حاضر است با روسیه قرارداد بیطرفی برای مدت ۲۵ سال برقرار نماید آلمان جزئی تقاضاهای روسیه را ارجع بممالک بالت میپذیرد اما برقراری مسالمت بین روسیه و ژاپن را تأیید مینماید.

در تعقیب این تلگراف ریبن تروپ باز یادداشتی بدولت روسیه فرستاد. مدلول

آن این بود :

« نظر بر آنکه در این دو روزه احتمال وقوع حوادثی میرود مقتضی است در حسن روابط بین دولتین آلمان و روسیه دقتی بعمل آید برای این منظور وزیر امور خارجه آلمان حاضر است شخصاً هر چه زودتر عازم مسکو شود و مواد این قرارداد امضا گردد. »

مخالفت با کمونیسم یکی از مبانی مسلک نازیسم بود و این عجله در تغییر این اصول در مسلک نازیسم باور کردنی نبود. پس مولوتف بوزارت خارجه آلمان خاطر نشان کرد که این عجله مخالف اصول سیاست است هر قرار داد مستلزم مطالعات مقدماتی است.

این جواب بر لرن را متقاعد نساخته تلگرافات عیدیه بسفیر آلمان مخابره شد و بالاخره مولوتف موافقت کرد که يك هفته پس از امضا قرارداد تجارتي سفیر آلمان عازم مسکو شود.

قرارداد تجارتي چندین ماه بود برای امضا معوق مانده بود حال بعضی تقاضاهای روسیه درجه قبول یافتند و فوهرر مستقیماً از استالین تقاضا کرد که در بین تروپ عازم مسکو گردد.

جواب استالین از این قرار بود :

« دولت سویت بمن اجازه میدهد که بشما اطلاع بدهم که ریبین تروپ روز ۲۲ اوت پذیرفته خواهد شد ».

هیتلر و گورینگ و چند نفر از خواص بصرف شام مشغول بودند تلگراف جواب استالین را آوردند یکی از حضار نقل کرد که هیتلر برخاسته تلگراف را بمشاوران نشان داده و گفت این صلح است که من در دست دارم.

روز دیگری ۲۲ اوت هیتلر تمام فرماندههای کردارمه را جلب کرده آنها را ۱۵ الی ۲۰ نفر صاحب منصبان ارشد در طلالار مقابل تابلوی بیسمارک در انتظار ورود هیتلر بودند.

در ضمن صرف شام در مدت چهار ساعت هیتلر سخنرانی کرد ولی قدغن شده بود از آنچه گفته میشود یادداشت برداشته نشود.

« وضعیت اقتصادی آلمان چند سالی نخواهد گذشت که بنیادش از هم پاشیده

خواهد شد پس چاره منحصر اقدام بجنگ است و از این چاره ضرری متوجه آلمان نخواهد شد و فتح ما حتمی الوقوع است .

بعد اضافه میکند که «درمونیک مدعیان خود را خوب شناخته ام حشراتی بیش نیستند و چنانچه در دقیقه آخر باز بخواهند داخل در مذاکره مسالمت شوند هر کس باشد از پله ها سر از پیرش خواهم کرد مختصر فشار اقتصادی هم شاید از طرف انگلیسها بعمل آید آنرا هم بعید میدانم از طرف مشرق هم برای ما از هر جهت راه باز است فقط من میتوانیم آتیه را به بینم من و موسولینی دو مرد بزرگ سیاسی شناخته میشویم .

ولی متأسفانه موسولینی ضعیف است او نه توانست بر کلیسا غالب شود و نه سلطنت را از جا بردارد پس با اینکه معلوم نیست از دوره حیات من چه باقی مانده چنانچه حالا حمله برده نشود شاید بعدها دیگر موقع بدست نیاید .
برای شنبه ۲۵ اوت صبح وقت سحر دستور صادر شد که چند دسته از اس اس ها بالباس نظامی حمله آورده از سرحد سیلزی علیا عبور نمایند .

حاضر در حدود ۲۴ نفر با سکوت مبهوت بودند فقط گورینگ گاهی خوشوقتی و موافقت خود را ظاهر میساخت و نگاهی باطراف کرده آنها را هم دعوت به خوشوقتی مینمود .

هیتلر باز بسخنرانی ادامه داد و عنوان او این بود که صاحب منصبان عالی درجه بمن وعده داده اند که در ظرف سه هفته جنگ را خاتمه دهند. صاحب منصبان حاضر با حرکت سرگشته فوهرر را تصدیق نمودند ، هیتلر افزود که چنانچه از یکسال یا دو سال جنگ صحبت بمیان آمده بود من موافق نبودم و بادولت انگلیس مانند روسیه عقد اتحاد میبستم زیرا ما وسایلی که برای جنگ طولانی لازم بود در دست نداریم قوت ما در سرعت و تهور است این تمدن پوسیده غرب هر چه در باره من تصور کند برای من یکسان است .

تنها وسیله برای رفع احتیاج ما بفضای تنفس جنگ است .
 سپس صحبت را با حرارت زیاد تری باین ختم میکند (افتخار و فتح آقایان
 باشماست جلسه دیگر ما در ورشو تشکیل خواهد شد) .
 گورینگ در لباس آبی آسمانی مارشال هواپیمائی که در برداشت با تنه فربه
 بالای میز رفته شادی کنان قدردانی خود را نسبت به فوهرر ابراز مینمود .
 قرارداد آلمان و روسیه در شب ۲۳ اوت در مسکو بامضا رسید هیلتلر در انتظار
 بود بداند اثرات این قرارداد در سه پایتخت فرانس و انگلیس و ایتالیا چه خواهد
 بود روز ۲۴ سفیر آلمان در ایتالیا موسولینی را مطلع ساخت که ظهر روز دیگر
 امر بحرکت قوا صادر خواهد شد .
 موسولینی چند ساعت در تردید بود و بیمیل نبود در اثر جاه طلبی فریاد
 برآورد و بگوش هیتلر برسد که برای شرکت در جنگ حاضر است ولی تضرع
 حضار حسن اثر کرده و دریافت که ایتالیا از هر جهت فاقد وسایل و لوازم شرکت
 در جنگ بود موسولینی و سیانو باهم در تحریر یک یادداشت بامراعات حفظ نزاکت
 شرکت کردند و سیانو شخصاً باتلنن با برلن تماس گرفت .
 شب ۲۴ هیتلر آسوده خاطر بخواب رفت و قبلاً دستور داد هر خبری از پاریس
 و لندن برسد او را بیدار کنند از او سؤال کردند چه نوع خبری را انتظار داری
 جواب داد استعفای هیئت دولت در فرانس و انگلیس ولی صبح ۲۵ خبر مطلوب نرسیده
 بود و از قراریکه اشخاص با اطلاع میگفتند این روز برای دفعه اول تردیدی در خاطر
 هیتلر از حسن نتیجه اقداماتش دست داد ضمناً خبر نامطلوبی از لندن رسید و مدلول
 آن این بود که در مجلس عوام در لندن صراحتاً مذاکره شده بود که انگلستان
 بتعهد خود که ضمانت استقلال پولونی بوده وفا خواهد کرد برای هیتلر یأس
 حاصل شد ولی ضمناً در خاطرش خطور کرد که چنانچه دولت انگلیس چند روزی

بیطرف و ساکت بماند پس از آنکه لهستان سر کوبی شد انگلیس ناچار سکوت اختیار خواهد کرد و برای حصول این مقصود و جلب دولت انگلیس پیشنهادی در نظر گرفت مبنی بر ضمانت حفظ نفوذ دولت انگلیس و منافع آن دولت در شرق حتی وعده ضمانت حدود امپراطوری انگلیس را تقبل مینمود ولی هیتلر غافل بود از اینکه پس از تصرف پراگ برخلاف تعهدات با دولت انگلیس دیگر نسبت بدولت آلمان بدبینی سختی ایجاد شده بود.

در برلن هندرسن سفیر انگلیس دعوت شد ساعت ۱۳ر۵ وارد شانسه‌لری شد و با خود میاندیشید که آیا این مرتبه مذاکرات بچه صورت در خواهد آمد اول عبارتیکه هیتلر بسر زبان آورد این بود:

« این قبیل وقایع در تاریخ ذکرش یکمرتبه پیش می‌آید ».

از این عبارت معلوم نبود هندرسن چه درک کرد ولی جواب او این بود که آیا هنوز مجالی باقی هست که من بروم و با دولت متبوع خود مذاکره کنم.

هیتلر جواب داد:

« البته ولی هر چه زودتر ».

هندرسن با شتاب روانه شد از ظهر دو ساعت گذشته بود بدون تأخیر با طیاره بطرف لندن پرواز نمود هیتلر از پنجره اطاق خود میدید که سفیر انگلیس بر- اتومبیل خود سوار شده و روانه شد ده دقیقه گذشته بود هیتلر دستورداد روز دیگر که ۲۶ اوت بود سفیده صبح جنگ آغاز شود برای شروع اس‌اس‌ها همگی ملبس بلباس ارتش لهستانی میبایستی بآلمان حمله ببرند.

با این ترتیب تجاوز از طرف پولونی بوده پس برای دولت انگلیس حق اعتراضی

باقی نبوده.

یکی از ژنرال‌های سازمان جاسوسی آلمان پس از فتح متفقین در نورنبرگ شهادت میداد که تمام عمال این حمله ساختگی بودند و این موضوع باید برای همیشه و تظاهر مکتوم بماند.

یکساعت پس از شروع بجنگ یعنی در ساعت ۱۵ سفیر ایتالیا ملاقات خواست و یادداشتی را که در نتیجه شرکت و مساعی سیانو و موسولینی تهیه شده بود به هیتلر تسلیم نمود.

شروع این یادداشت باین جمله بود :

« این مرتبه اولی است در مدت عمرم که به‌اشد درجات غم و غصه یادداشتی را امضا میکنم » سپس شرح داده شده بود که ایتالیا برای جنگ مهیا نیست قشون و قوای هواپیمائی برای سه هفته بیش بنزین ندارد مواد اولیه برای تهیه آلات و ابزار جنگ بکلی فاقد است پس مقتضی است دولت آلمان آنچه برای ایتالیا ضرورت دارد برساند تا ایتالیا برای شرکت در جنگ حاضر شود .

هیتلر منقلب شد شهودی نقل کرده‌اند که روی لبهای او کف هویداشد موسولینی را بآنچه صفات بد میتوانست متهم ساخت .

سفیر ایتالیا اتولیکو از سیاستمداران نازک بین ایتالیا شمرده میشد و نسبت بآلمانها بدبین بود حتی نسبت به شخص موسولینی و هیتلر هم خوش بین نبود او و تمام اعضاء سفارت باشرکت ایتالیا در جنگ مخالف بودند و آنچه از قوه آنها ساخته بود برای کناره گیری ایتالیا مساعی بکار میبردند هیتلر سفیر را جواب کرده از در بیرون انداخت. در ساعت ۱۶ يك تلگراف وحشت انگیز دیگر واصل شد دولت انگلیس ضمانت مطلق خود را بلهستان ابلاغ کرد هیتلر فوراً سفیر فرانس را دعوت کرد و ساعت ۱۷ وارد شد .

باو اینطور خاطر نشان کرد :

« من با دولت روس قراردادی مقطوع منعقد کرده‌ام و متأسفم که کار باینجا کشیده این مطلب را به دلآلویه ابلاغ نمائید . تصور من این است که فاتح خواهم شد البته تصور شما هم اینست که فتح باشما خواهد بود من خیلی در زحمت هستم از اینکه باید باشما جنگ کنم بدآلویه بگوئید » .

هیتلر بنطق خود خاتمه داد و سفیر فرانس را جواب کرد سفیر خارج شده بود صاحب منصبی را خواسته و دستور داد که اجراء حکمی را که چهار ساعت از آن میگذشت معوق بدارند از غرائب آنکه ارکان حرب موفق شد چرخهائی را که بکار انداخته بود متوقف بسازد .

هیتلر تصمیم خود را در تعویق به گورینگ اطلاع داد با این توضیح که این تعویق برای این منظور است که از مداخله انگلیس به وسیله جلو گیری شود و از ۲۶ اوت تا اول سپتامبر جنگ معوق خواهد ماند .

در نتیجه این تعویق خاطرها در برلن قدری آسایش یافت و گوئی خطر جنگ بکلی مرتفع شده بود ولی هیتلر میدانست که خطر دور نشده . از ایتالیا سؤال کردند برای داخل شدن در جنگ چه موادی ضروریست که فرستاده شود سیانوسورت لوازم را تهیه کرده و فرستاد برای سفیر ایتالیا ببرلن .

از جمله موادی که در صورت ذکر شده بود ۷ میلیون تن ذغال سنگ دو میلیون تن فولاد سفیر صورت را نزد وزیر خارجه آلمان برد چون نظرش با اهمیت ارقام افتاد سؤال کرد در چه مدت باید این مواد تحویل شود سفیر تأکید در فوریت نمود و تذکر داد که قبل از شروع بجنگ باید تحویل گردد .

رئیس تروپ مختصر حسابی کرده بسفیر گفت چنانچه ما این مواد را موجود میداشتیم برای حمل آنها ۷ هزار واگن ضرورت میداشت آنهم در موقعیکه خود ما برای نقل قوا محتاج بواگن هستیم .

پس در واقع این موضوع وسیله ایست که اتخاذ شده باین نظر که اتحاد آلمان و ایتالیا صورت پذیر نباشد .

سفیر مجدانه جواب میدهد که این دستور دولت متبوع منست . وزیر خارجه باز سؤال کرد که آیا از جانب موسولینی مذاکره میکنید؟ سفیر اطلاع نداشت که مخابرات تلفنی او در برلن تماماً کشف میشد و میدانند که این سفیر کوشا در سست کردن مقدمات اتحاد است .

باری هیتلر بهرم جواب میدهد که چون وسائل حمل این مواد فراهم نیست پس بهتر اینست که ایتالیا بیطرف بماند .

جواب موسولینی این شد : «حالا که میل فوهرر اینطور اقتضا میکند ایتالیا ناچار کناره گیری اختیار میکند .»

سفیر انگلیس روز ۲۸ ازلندن مراجعت کرده در جواب فوهرر پیشنهاد میکند که کنفرانس مونیخ تجدید شود .

طول جنگ پولونی از قرار نقشه میبایستی سه هفته بکشد ولی در مدت ۱۸ روز خاتمه یافت در این مدت استحکامات آلمان در سرحد فرانسه خالی مانده بود فقط پنج دیویزیون جبهه غرب را در اشغال داشتند . هیتلر اطمینان داشت که از طرف متفقین در برابر قدرت خارق العاده آلمان جنبشی بعمل نخواهد آمد و حقاً این اطمینان بجا بود .

در این سه هفته دستور هیتلر این بود که دشمن بهیچوجه در این جبهه جلب و تحریک نشود چون میدانست که مختصر حمله از طرف متفقین روی رودرن منجر بجنگ عمومی خواهد شد .

پس از ۱۵ روز که فتح پولونی خاتمه یافته بود انتقال چندین دیویزیون بطرف غرب شروع شد .

در جنگ پولونی آلمان سه مرتبه جدید بدست آورد معلوم شد که پیاده نظام در جنگ نیرومند است و هیچ قدرتی در مقابل قوای قهار آلمان قادر بمقاومت نیست . ضمناً مشهور شد که هیتلر صلحجویی میکند و این انتشار حقیقت داشت تصور هیتلر این بود که متفقین برای نجات پولونی در جنگ داخل میشدند حالا که دیگر لهستانی وجود خارجی ندارد پس جنگ چه ضرورت خواهد داشت فرضاً فرانس شهری را از آلمان گلوله باران کند آلمان هم همین عمل را نسبت بفرانسه باشدت مهیب تری انجام خواهد داد تا آنکه بالاخره دانست که نظریه متفقین طور دیگر است . روز ۱۹ اکتبر تصمیم گرفت بدون تأخیر از طرف هلند و بلژیک با قوای کافی رهبر چشمی بگیرد و این عمل را با قدرت شگرفی انجام داد .